

طرد سیاست جنگی حاکم انتخابات نشان داد، رای دهنده و تحریم کننده هیچکدام جنگ نمی خواهند

انتخاباتی که نیمه انتصابات بود، سرانجام برگزار شد و از نتیجه آن مجلس هشتم سر در خواهد آورد. این مجلس قرار است ماشین تولید قوانین و تأیید کننده دم به دم آن سیاستی شود که حاکم است و ما آن را بنام "سیاست نظامی- اتمی" می شناسیم!

شرح این که تن به چه رسوائی هائی دادند تا مجلس را به این ابزار تبدیل کنند، زائد است، زیرا عیان تر از بیان است. تمام وحشت ترتیب دهندگان چنین انتخابات و چنان مجلسی آن بود که مخالفان سیاست حاکم مجلس را قبضه کنند و به لفظ مستقیم رهبر، ولایت احزاب حاکم شود، بجای ولایت ایشان! (از سخنرانی های علی خامنه ای در جریان تحصن مجلس ششم)

جنش در حال رکود مردم، هنوز آنقدر آگاه بود که بجای یک "بانگ"، چند ده "بانگ" را به مجلس هشتم بفرستد، گرچه نامشان بر سر زبان ها نبود و در حقیقت مردم علیرغم همه دشواری ها و کارشکنی ها و تهدید ها و ... به "لیست خاتمی" رای دادند. یعنی به اصلاحات. نکته بسیار مهم دیگری که قطعاً باید در تمام محاسبات تحلیلی خود از این انتخابات در نظر داشته باشیم آنست که اکثریت قریب به اتفاق مردمی، که در انتخابات شرکت کردند و سیمای جمهوری اسلامی با آن ها مصاحبه کرد دلیل شرکت خود در انتخابات را دفع خطر حمله امریکا به ایران اعلام داشتند، که در عمل یعنی مخالفت عمومی با سیاست جنگی و ماجراجویانه حاکم! و این اعتراف ناخواسته دستگاه تبلیغاتی گوش به دستورات بیت رهبری و فرماندهان سپاه پاسداران بود. سپاهی که یکی از سرداران آن "ضرغامی" ریاست سیمای جمهوری اسلامی را برعهده دارد.

بنظر ما، این دو نکته، یعنی

۱- ترس حاکمیت کنونی از افتادن مجلس به دست اصلاح طلبان و مخالفان سیاست نظامی- اتمی و تن دادن به رسواترین شیوه ها در انتخابات اخیر برای جلوگیری از واقعه ای که اگر انتخاباتی واقعی در جمهوری اسلامی برگزار می شد، وقوع آن قطعی بود.

۲- مصاحبه هائی که با مردم در حوزه های رای گیری انجام شد و سیمای جمهوری اسلامی پخش کرد و در همه آنها بزرگترین انگیزه مردم از شرکت در انتخابات، از زبان خود آنها، جلوگیری از حمله به ایران بود.

نه تنها فضای عمومی کشور را نشان داد، نه تنها گرایش عمومی جامعه را منعکس کرد، بلکه تأثیرات خود را روی مجلس هشتم نیز خواهد گذاشت و خواهیم دید که این دو مسئله چه تأثیر مستقیمی روی اختلافات و صف بندی ها در مجلس خواهند گذاشت. ریشه های اصلی هر نوع فراقسیون بندی در مجلس آینده، پیش از آنکه در مجادله و کشاکش ها با دولت ماجراجوی احمدی نژاد خلاصه شود، در همین دو نکته نهفته خواهد بود. نه رئیس دولت و یا کابینه، نه افراد داخل و خارج مجلس، نه این گروه و یا آن گروه از روحانیون، بلکه "کل سیاست حاکم" زیر ضربه مردم است و همین فشار عمومی، در مجلس آینده نیز بازتاب خواهد داشت. مردم جنگ نمی خواهند و حکومت امنیتی و نظامی را طرد می کنند.

اشاره به اینکه چه توطئه های دیگری را تا اعلام کل اسامی راه یافتگان به مجلس در پیش است، چگونه برای تهران لیست سازی خواهند کرد و دیگر تدابیری که در این روزها سرگرم آن هستند، مهم هست، اما نه باندازه درک کامل از کلیت پیام این انتخابات و تبدیل آن به کارپایه سیاسی هم فراکسیون اقلیت و مخالف در مجلس و هم فراکسیون بزرگ و چند ده میلیونی در خارج از مجلس.

خطاب به همه آنها که شک دارند از درون لیست دستچین شده و تقاضا شده میان بیت رهبری و شورای نگهبان برای تشکیل فراکسیون اکثریت و هیات رئیسه مجلس هشتم، یاد آور می شویم:

مگر روزی که "ابوطالب" را به مجلس هفتم فرستادند، فکر می کردند او به منتقد پر قدرت سیاست های دولت کنونی تبدیل شود؟

او، که مستند ساز تلویزیونی و مورد اعتماد دستگاه امنیتی بود و بلافاصله پس از سقوط صدام به بغداد اعزام شده و به اسارت امریکائی ها درآمده بود. پس از رهائی از زندان امریکائی ها در عراق به تهران منتقل شد و حزب الله، برای دهن کجی به خانم شیرین عبادی، با شعار "سعید و سهیل- لایق نوبل" در فرودگاه مهرآباد به استقبال این قهرمان خود رفت و او را از همانجا، یکسر به بیت رهبر بردند و رهبر در حیاط بیت به استقبال آن سعید و سهیل آمد و بوسه بر گونه ها و سرشان زد. آن روز کسی فکر می کرد، از آن دو، آنکه عزیزتر بود و به مجلس هفتم فرستاده شد، به منتقد سیاست های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی حاکم تبدیل شود؟ و حساب خود را از لیست جبهه اصولگرایان جدا کند؟

این را تنها برای یک یادآوری و حجتی بر ارزیابی خود از حوادث و رویدادهای سیاسی نوشتیم.

جامعه ایران هنوز یکدست سرکوب و منکوب نشده و بسیار دشوار بتوان چنین روزی را به این زودی و آسانی باور کرد. بنابراین، از دل چنین جامعه ای، حتی با همه حیلها و تدابیری که طرفداران سرکوب و یکدستی بکار می برند، نمی تواند مجلسی یکدست و تابع سیاستی بیرون بیاید که همین جامعه در برابر آنست و آن را طرد می کند. این جامعه جنگ، ماجراجویی، تحمیق، ارتجاع مذهبی، سانسور، سرکوب و ... رد می کند و زیر بار آن نمی رود. همچنان که تاکنون نرفته و اگر رفته بود نیازی به این همه تدبیر و توطئه برای برگزاری انتخاباتی که شاهد شدیم نبود.

خود را نه آماده ادامه شرح آنچه در این انتخابات کردند، بلکه آماده آن حوادثی کنیم که از دل سیاست نظامی- اتمی حاکم بیرون می آید و با مردمی سخن بگوئیم که در عمق وجود خویش خطر را احساس کرده و برای دفع و رفع آن به پای صندوق های رای رفتند و یا با همین انگیزه خود را از انتخابات قدرت فرموده کنار کشیدند زیرا مانند همان هائی که رای دادند، با سیاست های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، نظامی، امنیتی و سانسور و نابرابری، فقر و غارت مخالف اند.

با چنین نگاهی به انتخابات مجلس هشتم و جامعه بیدار ایران، به استقبال سال ۸۷ برویم که گشایش مجلس هشتم تنها رویداد مهم آن خواهد بود!